

پیش‌خوان

«سیا در ایران» در آینه یک پژوهش نوانتشار

خوانشی

از اسناد «کودتای آژاکس»

■ شاهد توحیدی



باز شدن پای دولت امریکابه‌ایران نقش استعماری آن تا پایان حیات رژیم پهلوی، موضوعی است که همچنان در معرض بررسی تاریخ پژوهش‌های معاصر و گمانه‌های

مختلف و متفاوت ایشان قرار دارد. در این میان اما چند و چون نقش آفرینی سرنان این کشور در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از سرفصل‌های مهم بررسی این موضوع قلمداد می‌شود. اثر تاریخی پژوهشی «سیا در ایران، کودتای ۱۳۳۲ و ریشه‌های اختلاف ایران امریکا»، از جمله شاخص‌ترین آثار عرضه شده در این باره است. این پژوهش توسط دکتر دونالد ویلبر انجام شده، نعمت‌الله عاملی آن را به فارسی برگردانده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشارش دست زده‌است. تارنمای طی یادداشتی در تشریح اهمیت این کتاب، به نکات بی‌آمده اشارت برده است:

«وره ملی شدن صنعت نفت ایران و متعاقب آن کودتای امریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ادوار تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. این کودتاه تنها نمره سال‌ها تلاش و مجاهدت ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال را از بین برد، بلکه چشم‌انداز آینده ایران را نیز تا چند دهه تیره و تاریک ساخت. دولت بریتانیا که تا نیمه قرن بیستم حاکمیت تقریباً مطلق بر منابع نفتی ایران داشت، ناگهان با بیداری و فریاد اعتراض ملت ایران مواجه شد، که نمره این بیداری و مجاهدت در تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت تجلی یافت. این قانون که پایانی بر انحصار نفتی انگلیس در ایران به



■ نمایی از کودتای ۲۸ مرداد۱۳۳۲ در تهران

شمار می‌رفت، شوک سنگینی به دولت بریتانیا وارد کرد. آنها حاضر به پذیرش شرایط جدید نبودند و تا تأکید بر تداوم اجرای قرار داد ۱۹۳۳، تلاش‌های دیپلماتیک خود را آغاز کردند که البته ایران تلاش‌های دیپلماتیک به این نتیجه رسیدند، که برای دستیابی مجدد به منابع نفتی ایران، راهی جز براندازی دولت محمد مصدق نیست. از سوی دیگر، امریکا نیز که از انحصار نفتی انگلیس در ایران ناخوش بود، به بهانه خطر به قدرت رسیدن کمونیست‌ها و سقوط ایران در برده‌ی اهنتین، به طمع به دست آوردن سهمی از نفت ایران با دولت بریتانیا همراه شد و هر دو به این نتیجه رسیدند، که بقاء دولت وقت ایران به مصلحت نیست و باید برای این منظور دست به اقدامی مشترک و قاطع بزنند. نتیجه مذاکرات نمایندگان سرویس‌های جاسوسی امریکا و انگلیس، طراحی عملیاتی به نام عملیات آژاکس بود که طی آن سیا و سرویس اطلاعات مخفی انگلیس با همکاری عوامل داخلی خود در ایران، توانستند دولت قانونی مصدق را ساقط نموده و سرلشگر فضل‌الله زاهدی را که عامل بیگانه بود، به قدرت برسانند. کتاب سیا در ایران حاوی اسناد کودتای ۲۸ مرداد است که متن اصلی آن توسط دکتر دونالد ویلبر نگارش یافته و با ویرایش کریستوفر پتریک و توسط انتشارات امریکن فری پرس منتشر شده است. گزارش اصلی سیا شامل ۱۰ فصل، پنج ضمیمه و یک چکیده است که ویراستار سه ضمیمه کوتاه دیگر، با عنوان برادران رشیدیان، نزاع بر سر نفت ایران و مداخله بریتانیا در ایران را برای ارائه اطلاعات بیشتر به مخاطبان به متن افزوده است. مطالعه اسناد این کتاب، جزئیات تکان دهنده‌ای را از جنایات سازمان‌های جاسوسی انگلستان و امریکا، در طراحی و اجرای کودتای تنگین ۲۸ مرداد برملا می‌سازد. این پژوهش و نیز اسنادی که در آن ارائه شده است، می‌تواند به عنوان منبعی درخور اعتماد، در بازنمایی پیشینه عملکرد دولت امریکا، مورد توجه و استفاده و استناد قرار گیرد…»

■ **انوشه میرمرعشی**

عموم مسلمانان جهان و در نگاهی کلان‌تر مردمان آزاده دنیا، رژیم غاصب صهیونیستی را به عنوان حکومتی خونریز، جنايتكار و کودک‌کش می‌شناسند، حکومتی که به شکل تام و تمام، مورد

حمایت کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا بوده و همچنان هست. حمایتی غیرقابل انکار که قدمتی به اندازه تاریخ تشکیل کشور جعلی و منحوس اسرائیل دارد. چالب اینجاست که در میان اسناد لانه جاسوسی امریکا، می‌توان گزارش‌های متعددی را درباره حساسیت‌های ایالات متحده نسبت به وقایع مربوط به رژیم صهیونیستی دید. اسنادی که بخشی از آنها به رابطه رژیم پهلوی با

صهیونیست‌ها اشاره دارد و بخشی دیگر، به وضعیت اسرائیل در منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی.

در مقال بی‌آمده و به شکلی مختصر، به بررسی برخی از این اسناد پرداخته‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقمندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **تاریخ روابط حکومت پهلوی و اسرائیل**

رفت و آمد نمایندگان رژیم صهیونیستی به ایران، بعد از صدور اعلامیه بالفور(۱)، در سال ۱۹۱۷ م. (۱۲۹۶. ش) و باوروی کار آوردن رضاخان توسط انگلیسی‌ها آغاز شد. بعد از تشکیل رسمی کشور جعلی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م. (۱۳۲۷. ش) و در دوره محمدرضا امام، این آمد و رفت‌ها بیشتر هم شد. بعد از حدود یکسال دولت محمد ساعد مراغه‌ای در هنگام تعطیلی مجلس شورای ملی در اسفند ۱۳۲۸. ش، کشور جعلی اسرائیل را به صورت «دوقاکتو(۲)» به رسمیت شناخت و در بیت‌المقدس سر کنسولگری دایر کرد که باعث اعتراضات بسیاری در داخل و خارج از کشور شد. با شروع نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق به علت مخالفت تعدادی از نمایندگان مجلس به ویژه آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، دولت شناسایی اسرائیل را در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۳۰. ش پس گرفت و کنسولگری ایران در بیت‌المقدس را نیز تعطیل کرد. این اقدام دولت ایران، مورد استقبال مردم ایران و

ایران حوای اسناد کودتای ۲۸ مرداد است که متن اصلی آن توسط دکتر دونالد ویلبر نگارش یافته و با ویرایش کریستوفر پتریک و توسط انتشارات امریکن فری پرس منتشر شده است. گزارش اصلی سیا شامل ۱۰ فصل، پنج ضمیمه و یک چکیده است که ویراستار سه ضمیمه کوتاه دیگر، با عنوان برادران رشیدیان، نزاع بر سر نفت ایران و مداخله بریتانیا در ایران را برای ارائه اطلاعات بیشتر به مخاطبان به متن افزوده است. مطالعه اسناد این کتاب، جزئیات تکان دهنده‌ای را از جنایات سازمان‌های جاسوسی انگلستان و امریکا، در طراحی و اجرای کودتای تنگین ۲۸ مرداد برملا می‌سازد. این پژوهش و نیز اسنادی که در آن ارائه شده است، می‌تواند به عنوان منبعی درخور اعتماد، در بازنمایی پیشینه عملکرد دولت امریکا، مورد توجه و استفاده و استناد قرار گیرد…»

عاریخ

تاریخ ۰۶-۸۸۵۳۳

وقتی اسناد لانه جاسوسی سخن می‌گویند

فلسطینی برای هر گونه ترتیبات صلح آمیز در خاورمیانه دارند، آگاه‌است و توصیه کرده است که مذاکرات باید با کشورهای همسایه انجام بگیرد، ولی نه با سازمان‌های تروریستی… ژنرال دایان تأکید کرد که اسرائیل در پی ائتلاف وقت با عنوان کردن بهانه‌های قلابی نیست، در واقع اسرائیل می‌کوشد به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز برسد و حتی اگر چنین صلحی کاملاً غیر قابل به دست آوردن باشد، اسرائیل حتی حاضر خواهد بود به یک چیزی نزدیک به آن نائل شود، حتی اگر اعراب میل نداشته باشند تمامی راه تا صلح را ببیمایند. ژنرال طوفانیان خاطر نشان ساخت که او چنین احساس می‌کند که این دقیقاً سیاستی است که اعلیحضرت از آن طرفداری می‌کند…(۵).

در این سند دو نکته مهم وجود دارد. اول اینکه رژیم پهلوی گروه‌های جهادی و مبارز فلسطینی را «تروریست» می‌دانسته و دیگر اینکه به‌طور رسمی، از سیاست‌های اشغالگرایانه اسرائیل حمایت می‌کرده است.

■ **نگرانی امریکا از محاکمه و اعدام جاسوسان**

اسرائیل
مردم ایران از ابتدای تشکیل دولت جعلی اسرائیل، موضع ضدصهیونیستی و در مقابل موضعی حمایتگرایانه از مردم فلسطین داشته‌اند. اما به دلیل هفختان دوره پهلوی، ایسن واکنش‌ها عیان نبود. البته در وقایع خاص تاریخی همچون پیروزی ایران بر تیم فوتبال اسرائیل و حمله مبارزان به «ال‌عال» -دفتر هواپیمایی اسرائیل در ایران- در سال ۱۳۴۹. ش، می‌توان واکنش مردم را علیه اسرائیل دید. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حمله مردم به سفارت اسرائیل در تهران و چند روز پس از آن تبدیل سفارت‌خانه رژیم صهیونیستی به سفارت فلسطین، حقیقت مواضع ایرانیان در این زمینه برای جهانیان عیان شد. کمی بعد هم با شروع محاکمه سرنان رژیم، محاکمه خائنین به کشور و از جمله جاسوسان اسرائیل در ایران نیز، توسط محاکم انقلاب آغاز شد. اقدامی که موجب نگرانی شدید امریکایی‌ها را فراهم کرد. در بخشی از اسناد لانه جاسوسی به این موضوع اشاره شده است، چنانچه در سندی به شماره ۱۷۱، مأمور وابسته نظامی سفارت در گزارشی خطاب به وزارت امور خارجه امریکا که در تاریخ ۱۰ می ۱۹۷۹ م. (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸ ش) تنظیم شده، ضمن ابراز نگرانی از محاکمه جاسوسان اسرائیل در دادگاه‌های انقلاب می‌نویسد: «لقائیان و خرم اولین تجاری هستند که اعدام شده‌اند. لقائیان یک یهودی بود و اولین قربانی غیرمسلمان عدالت اسلامی می‌باشد. اتهامات وی عبارتند از: خیانت، فساد و قتل. وی در یک اظهارنامه طولانی، به جاسوسی برای اسرائیل و ملاقات با موشه دایان و جلب قول حمایت اسرائیل از تمام یهودیان ایران متهم شده بود. طبق اظهارات منابع، تنها مدرک برای اثبات اتهام خیانت وی، یک چاپخانه اسناد پرونده‌های سلاواک بوده است. اگر اسناد سلاواک به عنوان مدارک قابل قبولی برای اثبات جرم محسوب شود، همدار قابل توجهی به شمار می‌رود. اگر امپریالیسم اقتصادی به عنوان یک منبع تحقیقی تلقی شود، بنابراین صدها تاجر محلی بایستی از ترس به لرزه می‌افتند…»(۶).

در واقع می‌توان علت نگرانی امریکایی‌ها در این زمینه را برای از دست دادن منابع اطلاعاتی و بازوی اجرایی‌شان که تحت پوشش جاسوسان اسرائیلی در ایران فعالیت می‌کردند، تحلیل کرد.
■ **حمایت امریکا از جنایات و شهرک سازی‌های اسرائیل**
حمایت اسرائیل از رژیم صهیونیستی واقعیتی غیرقابل انکار است و برای آن می‌توان اسناد زیادی را شاهد مثال آورد. در میان اسناد لانه جاسوسی نیز، سند‌های فراوانی درباره حمایت امریکا از تحلیل‌های واشنگلگرای اسرائیل وجود دارد. مثلاً در سندی به شماره ۲۸- که در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹. م (۳۰ مرداد ۱۳۵۸. ش) توسط مجمع گردانندگان خلاصه اطلاعاتی تنظیم شده- گزارش نویس تحلیل‌های میسوپولی را درباره یهودیت سیاست داخلی اسرائیل، آنهم به دلیل وخیم شدن بیماری «هپتس» نخست وزیر این کشور، خطاب به وزارت امور خارجه ارائه داده است. وی در بخشی از این سند، به ماجرای شهرک‌سازی صهیونیست‌ها نیز اشاره کرده و درباره آن می‌نویسد: «اوسویتس پرس گزارش داد که دادگاه عالی اسرائیل در تاریخ ۲۴ ژوئیه، دستور متوقف کردن کار‌های ابتدایی برای ایجاد واحدهای مسکونی یهودی‌نشین نزدیک بتل‌هام را صادر نمود. کشاورزان عرب به دادگاه شکایت نموده بودند که دولت نظامی در حال اندازه‌گیری ۵۰ هکتار از زمین‌ها، جهت ساختن یک آبادی یهودی‌نشین بنام عفرات بود. گزارش‌های خبری گویای این قضیه هستند که در حدود ۱۰۰ خانواده یهودی متعصب که بیشتر از امریکا آمده‌اند، آماده اسباب کشی به عفرات هستند. رادیو اسرائیل گفت که دادستان دولت، مخالف حکم بازداشت نبود، ولی منتظر تصمیم دادگاه بر سر قانونی جلوه دادن این سلب مالکیت زمین از عرب‌ها بود. دو ادعای دیگر شبیه به ادعای مذکور، در دادگاه عالی در جریان می‌باشد که در رابطه با دهکده سالیفت و آبادی یهودی نشین الون نزدیک نابلس می‌باشد. در هر کدام از این ادعاها، دولت نظامی باید ثابت نماید که ایجاد آبادی‌های یهودی‌نشین جدید، برای امنیت اسرائیل ضروری می‌باشد. در یک تصمیم که با اکثریت قریب به اتفاق آراء در اوائل اسمال گرفته شد، دادگاه رای بر این داد که دولت نظامی، حق سلب مالکیت زمین‌های خصوصی را جهت ایجاد آبادی‌های یهودی نشین ندارد، در شرایطی که از اعراب بیابان نشین، نظهاراتی در اورشلیم (بیت المقدس)، در اعتراض به غضب زمین‌های مرعی‌شان ترتیب دادند…»(۷).

اسرائیلی‌ها براساس اهداف اسلامی نبود. با مرگ جمال عبدالناصر در سال ۱۹۷۰، روحیه جهادی در میان عرب‌ها و فلسطینی‌ها به‌طور کامل از بین رفت و زمینه برای سازش اعراب و اسرائیل پدید آمد. سازشی که به بدبختی بیشتر مردم فلسطین انجامید(۴).

اما جالب است که در میان اسناد لانه جاسوسی، گزارش‌هایی از همان مقطع دیده می‌شود که در آن رژیم پهلوی با اسرائیل، مذاکراتی برای موافقت صلح اعراب و اسرائیل به نفع صهیونیست‌ها داشته است. به‌طور مثال براساس سندی که در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۷ م. (۲۷ تیر ۱۳۵۶. ش) تنظیم شده، شرح ملاقات صورت گرفته در تل آویو، بین موشه دایان وزیر خارجه اسرائیل و ژنرال طوفانیان معاون وزارت جنگ دولت شاهنشاهی ایران آورده شده است. در بخشی از این سند چنین می‌خوانیم:

«ژنرال طوفانیان اعلام داشت که ایران بسیار علاقمند به اتکای متقابل با اسرائیل است و ادامه داد که به نفع ایران است که اسرائیل از لحاظ بین‌المللی، میل خود را برای صلح برجسته دهد، نه برای جنگ. ژنرال دایان در پاسخ گفت: که اسرائیل خواهان صلح است، ولی بدون شروط قبلی و بدون اماها و اگر‌ها، ژنرال دایان گفت که اسرائیل در پی یک صلح از طریق مذاکره است که به نفع همه طرف‌های ذیعلاقه باشد. ژنرال دایان ادامه داد که او نمی‌تواند وعده دهد که صلح در واقع حاصل خواهد شد، بلکه این امر بستگی به موافقت حکومت کنونی اسرائیل این است که از همه وسایل که به این هدف منتهی می‌شود استفاده کند. ژنرال دایان ادامه داد و گفت که همه نکات برای مذاکره قابل طرح است و اینکه اسرائیل حاضر است بدون هر گونه شرط قبلی، با همسایگان عرب خود دور یک میز بنشیند. معذالک ژنرال دایان تأکید کرد که اسرائیل با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره نخواهد کرد و با تشکیل یک دولت به توسط سازمان آزادیبخش فلسطین، موافقت نخواهد کرد. بدین مناسبت ژنرال دایان به سخنان خود ادامه داده و گفت که خود اعلیحضرت درباره خطرانی که سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر سازمان‌های تروریستی



■ حبيب اللقیان در تنظیم تاریخ دنیا

جوان ۹

همچنین در سند دیگری که به شماره ۱۲ و در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۹ م. (۲۳ مرداد ۱۳۵۸. ش) تنظیم شده، ضمن اشاره به حمایت کامل امریکا از سیاست‌های اشغالگرایانه اسرائیل، چنین آمده است: «بنابه گزارش رادیو اورشلیم، وزیر خارجه دایان در مصاحبه‌ای به تاریخ ۲۲ مرداد گفت که سیاست اسرائیل در قبال لبنان، کاملاً مورد قبول امریکا می‌باشد. وی گفت: اسرائیل وظیفه و حق دارد که پایگاه‌های تروریستی را به ابتکار خود در هم کوبد و به انتظار اقدامات تلافی جویانه و امثال آنها نباشد…»(۸).

البته گفتنی است که منظور موشه دایان از پایگاه‌های تروریستی، مقر مبارزان لبنانی است که برای آزادی خاک اشغال شده خود، با صهیونیست‌ها در حال جنگ بوده‌اند.

■ **فلسطینی‌های با بشر نیستند!**

ایالت متحده امریکا سال‌هاست که با ادعای حقوق بشر و شعارهای آزادی خواهی، به فریب افکار عمومی جهان مشغول است. این کشور البته در چند دهه قبل - که مسئله مذاکرات اعراب و اسرائیل، با میانجیگری امریکا مطرح بود- از این روش برای فریب مسلمانان استفاده می‌کرد. اما جالب است که بعد از رنگ باختن طرح‌های صلح و آگاهی مردم و گروه‌های مبارز فلسطینی نسبت به بیهوده و بی نتیجه بودن آن، عملاً تغییر موضع داد. به این معنا که دیگر وقتی مسئله حقوق فلسطینیان از سوی آزادگان جهان و رسانه‌ها پیگیری می‌شود، امریکا حتی در ظاهر هم لایزم نمی‌بیند که نمایی از بشردوستی ارائه کند! گویی فلسطینیان از نگاه او بشر نیستند و به راحتی می‌توان حقوق آنها را نادیده گرفت. اما به هر حال در سال‌هایی که موضوع صلح اعراب و اسرائیل جاری بود، امریکا به ظاهر و در حد یک ژست سیاسی، در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها عالمی از خود بروز می‌داد، البته نه تا جاییکه منافع اسرائیل خدشه‌دار شود! نمونه بارز این رفتار امریکا را، می‌توان در سندی به شماره ۵۲ که در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ م. (۶ مهر ۱۳۵۸. ش) و توسط مجمع گردانندگان خلاصه‌های اطلاعاتی تنظیم شده، درباره حقوق فلسطینیان و رفتار اسرائیل با آنها آمده است:

«سبب‌های شکنجه در مورد اسرائیل: سفارت امریکا در تل آویو گزارش داده است که تأمیر وزیر دادگستری اسرائیل به آنها چنین گفته است که او پرونده‌ای را که در آن ادعا شده است که یک فرد عرب مظنون بناهیت جدید در معرض شکنجه قرار گرفته، در دست دارد. تأمیر مدعی شده است که در اتهامات اعراب در این باره غلو شده است، ولی او گفت که یک شسمه‌ای از حقیقت در این باره وجود دارد و بازرسی در این باره مورد توبیخ قرار گرفته و به مرجع دیگری انتقال یافته است. طبق اظهار تأمیر به سازمان شین بت ابلاغ شده است که چنین طرفی در بازرسی تحمل نخواهد شد. سفارت امریکا در تل آویو اظهار نظر می‌کند، چیزی که اهمیت دارد این است که تأمیر دستور داده است، تحقیقات او مورد رسیدگی قرار گیرد، زیرا چنین نشان داده شده که او و همکارانش، کوشش واقعی خود را برای رسیدن به حقیقت به عمل آورده‌اند…»(۹).

■ **کلام آخر**

می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین دلایل حمایت صهیونروهای غربی و در رأس آنها امریکا از رژیم صهیونیستی، نیاز به داشتن پایگاه نظامی مطمئن در منطقه غرب آسیا بوده و هست. پایگاهی که و طول بیش از ۶۰ سال، توانست منافع غربی‌ها و به ویژه امریکا را برای تسلط بر بخش‌های وسیعی از منطقه غرب آسیا و به‌متر از همه خرد ارزان نفت تأمین کند. قدقنا به همین دلیل است که با قدرت‌گیری حزب‌الله لبنان از یکسو و به تدریج قوی‌تر شدن نیروهای جهاد اسلامی در فلسطین اشغالی در دو دهه گذشته، حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی امریکا از کشور جعلی اسرائیل بیشتر نیز شده است. در واقع امریکا در طول سال‌های اشغال فلسطین و به ویژه بعد از وقوع طوفان الأقصى با تمام توان از اسرائیل حمایت می‌کند، تا ضمن حفظ موجودیت این دولت نامشروع، تمه منافع خود را در منطقه غرب آسیا از دست ندهد. هدفی که چنانچه از شواهد مشخص است، به یاری پروردگار توانا هرگز محقق نخواهد شد.

■ **پی‌نوشت‌ها و منابع:**

۱- براساس اعلامیه بالفور نخست وزیر یهودی‌الاصل کشور انگلستان یعنی آرتور جیمز بالفور، در جریان جنگ جهانی اول قیومیت سرزمین تحت اشغال خود یعنی فلسطین را به یهودیان واگفتر کرد.

۲- اقدامی است که - به موجب آن، یک کشور یا حکومت نو استقلال، به عنوان یک کشور مستقل که قادر به اداره و اعمال مؤثر قدرت در قلمرو تحت کنترل خود می‌باشد، به رسمیت شناخته می‌شود؛ ولی این شناسایی، هیچ گونه الزام و تعهد بین‌المللی، در پی ندارد.

۳- دفتر قیدشد- سیاسی فرمانده معظم کل قوا، «روزها و رویدادها»، جلد اول، نشر رامین، چاپ سوم ۱۳۷۸. ش، ص ۳۳۳ تا ۳۵۰

۴- کریمی، محمد، پشت نقاب صلح، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۴۰ تا ۴۳

۵- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «اسناد لانه جاسوسی»، مجموعه ۱۱ جلدی، چاپ ۱۳۸۶.

ش، جلد ۲، ص ۵۶۸

۶- اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۰، ص ۳۷۰

۷- اسناد لانه جاسوسی، جلد ۴، ص ۴۹۰

۸- اسناد لانه جاسوسی، جلد ۵، ص ۱۸۸

۹- اسناد لانه جاسوسی، جلد ۴، ص ۵۲۹ و ۵۳۰